آنچه که امروز وجود دارد این است که ساختمانهای مدارس هزینه‌های زیادی را در بردارند. هزینه هایی که صرف ساخت یا بازسازی و نوسازی و یا صرف نگهداری می شود. این در حالی است که  نظریات مربوط به آموزش و یادگیری تغییر کرده است اما  محیط های یادگیری کماکان در ساختمان هایی که به شیوه سنتی ساخته و اداره می‌شوند تعبیه شده است.

این موضوع به نوبه خود با اهداف یادگیری مدارس در تضاد است.  تقریباً تمام  مدارس ما به شیوه سلول ها و زنگ ها طراحی شده اند. دانش آموزان در این سلول ها که کلاس درس نامیده می شود حضور پیدا می کنند تا زنگ به صدا در آید، سپس آنها به سلول دیگری میروند. (ص 2)

واقعیت این است که تقریباً تمامی مدارسی که ساخته شده و یا در ۱۰ سال گذشته نوسازی شده اند و یا توسط تیم های طراحی در حال طراحی هستند همان مدارس سلولها و زنگ ها هستند. هر کدام از مدارسی که ما نوسازی کردیم و یا امروز ساخته ایم مدلی ناقص در زمینه آموزشی که در طول سی سال گذشته یا حتی فراتر از آن نیز متداول بوده است ارائه می‌دهند.  (ص 3)

از منظرهای مختلف می‌توان به موضوع نگاه کرد.

 از منظرعدالت آموزشی؛ ساختمان های گران قیمت مخصوص استفاده افرادی می شود که تمکن مالی بالا دارند. تجهیزات و امکانات به درستی توزیع نمی شود و برای تجهیز مدارس در شیوه سنتی هزینه های زیادی لازم است و همین مسئله باعث بیشتر شدن شکاف طبقاتی در امر آموزش شده است.

سوالی که وجود دارد این است که آیا محیط یادگیری  می تواند منعکس کننده درکی از آموزش و یادگیری و اهداف مدارس باشد؟ آیا با این نگاه این مسئله حل می شود که مدارس را ایجاد کنیم که دانش آموزان را برای زندگی و شغل های آتی آماده کند؟  حتما مدارس طراحی شده با توجه به نیازهای کنونی می­توانند محل بهتری برای آماده کردن دانش آموزان برای آینده باشند تا مدارس سنتی مبتنی بر مدل صنعتی. ساختمان‌ها می‌توانند بر چندین نسل از افرادی که در آنها زندگی و کار می‌کنند تاثیر داشته باشند و یا به گفته چرچیل ما ساختمان های خود را شکل می دهیم و در گام بعدی این ساختمان ها هستند که به ما شکل می دهند، لذا ما دوست داریم محیط یادگیری و مدارس ما دارای تحرک و پویایی باشند.